

Original Article

Predicting Emotional Reactivity Based on Object Relations with the Mediating Role of Mentalizing Capacity in Married Women

Zahra Habibi¹, Abbas Javaheri Mohammadi^{2✉}, Massoud Gholam Ali Lavasani²

1.Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

2.Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 2023.1.12

Revised: 2023.9.2

Accepted: 2023.12.15

Doi: [10.48308/jfr.2024.234787.1708](https://doi.org/10.48308/jfr.2024.234787.1708)

Abstract

The aim of the current research was to predict emotional reactivity based on object relations with the mediating role of mentalizing capacity. This study was carried out with the descriptive correlation method of structural equations type. The statistical population included married women in Tehran, and for this purpose, 272 samples were selected using available sampling method. The tools used were Emotional Reactivity scale (Nock et al., 2008), Object Relations and Reality Testing Inventory (Bell, 1995) and Reflective functioning questionnaire (Fonagy et al., 2016). The data was analyzed using path analysis with the help of spss 22 software. The fit indices showed the excellent fit of the data with the modified model and the results of the research showed that object relations both directly and indirectly through mentalization capacity can predict emotional reactivity. Slow nose and self-interview component among other components of object relations has contributed more in the explanation of emotional reactivity. Therefore, based on the findings, it can be concluded that the patterns of early mother-child relationships along with the ability to mentalize together can play a very important role in predicting emotional reactivity in adulthood.

Keywords: Emotional Reactivity, Object Relation, Mentalization Capacity.

How to cite: Habibi, Z. , javaheri, A. and Gholam Ali Lavasani, M. (2024). Predicting Emotional Reactivity Based on Object Relations with the Mediating Role of Mentalizing Capacity Inmarried Women. *Journal of Family Research*, 20(3), 32-50. doi: 10.48308/jfr.2024.234787.1708

✉Corresponding Author Email Address: javaheri.m@ut.ac.ir



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقاله پژوهشی

پیش‌بینی واکنش‌پذیری هیجانی براساس روابط موضوعی با نقش واسطه‌ای ظرفیت ذهنی‌سازی در زنان متاهل

زهرا حبیبی^۱، عباس جواهری محمدی^{۲✉}، مسعود غلامعلی لواسانی^۲

۱. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

DOI: 10.48308/jfr.2024.234787.1708

چکیده: هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی واکنش‌پذیری هیجانی براساس روابط موضوعی با نقش واسطه‌ای ظرفیت ذهنی‌سازی در زنان متاهل بود. این مطالعه با روش توصیفی همبستگی از نوع معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری شامل زنان متاهل شهر تهران بود که به این منظور ۲۷۲ نفر نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده، مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی (ناک و همکاران، ۲۰۰۸)، روابط موضوعی و واقعیت سنجی (بل، ۱۹۹۵) و عملکرد بازتابی فونانگی و همکاران، ۲۰۱۶) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل مسیر و با کمک نرم افزار SPSS ۲۲ و AMOS ۲۶ مورد تحلیل قرار گرفت. شاخص‌های برازش نشان دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده بود و نتایج پژوهش نشان‌داد که روابط موضوعی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم از طریق ظرفیت ذهنی‌سازی می‌تواند واکنش‌پذیری هیجانی را پیش‌بینی کند و مولفه خودمیان‌بینی در میان سایر مولفه‌های روابط موضوعی سهم بیشتری را در تبیین واکنش-پذیری هیجانی داشته است. بنابراین براساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای روابط اولیه مادر و کودک به همراه توانایی ذهنی‌سازی در کنارهم می‌توانند نقش بسیار مهمی در پیش‌بینی واکنش‌پذیری هیجانی در دوران بزرگسالی افراد داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: واکنش‌پذیری هیجانی روابط ابژه ظرفیت ذهنی‌سازی.

استناد به این مقاله: حبیبی، ز.، جواهری، ع. و غلامعلی لواسانی، م. (۱۴۰۳). پیش‌بینی واکنش‌پذیری هیجانی براساس روابط ابژه با نقش واسطه‌ای ظرفیت ذهنی‌سازی. خانواده‌پژوهی، ۲۰(۳)، ۳۲-۵۰.
doi: 10.48308/jfr.2024.234787.1708

✉ نویسنده مسئول: javaheri.m@ut.ac.ir



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

هیجانان مهم‌ترین عامل در زندگی انسان می‌باشد و نقش بسیار مهمی در روابط فرد با دیگران دارد. همچنین مشکلات هیجانی بر حوزه‌های مختلف زندگی افراد تاثیر گذار است و می‌تواند عملکرد مطلوب آن‌ها را مختل کند (شارپ، ون ووردن و وال^۱، ۲۰۱۸) و این موضوع روشن است که افراد در واکنش‌های احساسی خود به زمینه‌های مختلف متفاوت هستند و تجربه‌های ذهنی آن‌ها در تمام جنبه‌های زندگی، نقش اصلی را ایفا می‌کند و همچنین تحقیقات اخیر نشان‌دادند که بسیاری از اختلالات روانی ناشی از مشکلات هیجانی می‌باشد (ناک، ودیگ، هولمبرگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۸).

تنظیم هیجان^۳ یک توانایی فراشناخت هیجانی است که باعث آگاه شدن افراد از احساساتشان و در نتیجه به‌کارگیری درست آن‌ها در موقعیت‌های مختلف می‌شود. یکی از مفاهیم‌هایی که با تغییر و تحول و رشد عاطفی و هیجانی مرتبط است و همچنین به صورت معناداری با تنظیم هیجان ارتباط دارد مفهوم واکنش‌پذیری هیجانی است (گولر و کاراکا^۴، ۲۰۲۱).

واکنش‌پذیری هیجانی^۵ یا آسیب‌پذیری عاطفی میزان هیجانی است که فرد در پاسخ به تعداد زیادی از محرک‌ها، با شدت و مداومت بالا از خود واکنش نشان می‌دهد. در این سازه، فرد به دلیل ضعیف بودن در تنظیم واکنش‌های عاطفی و هیجانی نسبت به موقعیت‌های استرس‌زا حساس بوده و نوساناتی را تجربه می‌کند (پرایس، لیویت و آلسوپ^۶، ۲۰۲۰).

تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که احساسات منفی بیشتری را تجربه می‌کنند تمایل دارند پریشانی روانشناختی و اضطراب بالاتری را بروز دهند. به‌عنوان مثال مشکلات شدید رفتاری ممکن است نشان‌دهنده تلاش برای اجتناب یا فرار از تجربه ناخوشایند واکنش‌پذیری شدید هیجانی باشد. (نوک و پرینشتاین^۷، ۲۰۰۵). پژوهش‌ها بیان می‌کنند که یک تعامل پیچیده بین بازنمایی‌های ذهنی روابط اولیه با توانایی‌های پردازش هیجانی و اختلالات روانی از قبیل اختلال خوردن، اضطراب، افسردگی و ... وجود دارد و همچنین روابط اولیه درونی شده و نیز قدرت و نوع هیجانان مرتبط با ابژه‌های اولیه بر تعامل‌های بین فردی افراد و مشکلات هیجانی آن‌ها اثرگذار است (کیلی، اوگروندیچوک و هاوول جونز^۸، ۲۰۱۱).

یکی از مولفه‌های موثر بر سلامت روان و سلامت هیجانی افراد، نوع عملکرد روابط موضوعی^۹ کودک با مادر است؛ (کاتز^{۱۰}، ۲۰۱۸) اصطلاح تخصصی موضوع بیانگر هرچیزی است که نیازی را ارضا می‌کند و در معنای عام، در واقع موضوع به شخص یا شیء مهمی اشاره دارد که هدف احساسات و سائق‌های یک شخص می‌باشد. به عبارتی موضوع یک انگاره ذهنی است که با هیجان همراه است (سنت کلر^{۱۱}، ۱۴۰۰). نظریه پردازان روابط موضوعی، مادر را اولین موضوع درونی شده برای هر کودک می‌دانند، بدین معنا که کودک مادر را نخستین موضوع برای ارضای نیازهای خود می‌یابد و از طریق برقراری تعامل عاطفی با مادر و در طی تحول، روابط با مادر را درونی می‌کند و در نتیجه این الگوهای روابط اولیه در ساختارهای حافظه ماندگار شده و اساس روابط بعدی فرد با دیگران را تعیین می‌کند (سیچتی، روگوش و توث^{۱۲}، ۲۰۰۶).

طبق نظریه روابط موضوعی، تجربیات مراقبتی اولیه در درون فرد نهادینه می‌شود و هنگامی که مراقبان ایمن باشند مدل‌های مثبتی از خود و دیگران ظاهر می‌شود و احساس امنیت شکل می‌گیرد و از سوی دیگر هنگامی که مراقب اولیه پاسخگو و در دسترس نباشد پایه‌های امنیت و اعتماد را متزلزل می‌سازد و باعث افزایش

آسیب‌پذیری می‌شود (کین و هیلسنروث^{۱۳}، ۲۰۲۰). پیترسون، براکولیس و لنگدون^{۱۴} (۲۰۱۶) در پژوهش خود بیان کردند که تنبیه‌های دوران کودکی برای ایجاد بی‌اعتمادی و همچنین در کاهش توانایی ذهنی‌سازی^{۱۵} در بزرگسالی نیز موثر است و این کاهش ذهنی‌سازی در واقع زیربنای آسیب‌ها و اختلالات روانی می‌باشد. کنش‌وری بازتابی^{۱۶} ذهنی‌سازی به ظرفیت و توانایی افراد در درک کردن حالت‌های درونی خود و دیگران مانند احساس‌ها، باورها و خواسته‌ها و نیازها گفته می‌شود و به عبارتی دیگر ذهنی‌سازی یعنی توانایی فرد برای دیدن خود از بیرون و دیدن دیگران از درون می‌باشد (لویتن، کمپیل، آلیسون و همکاران^{۱۷}، ۲۰۲۰). از آنجایی که ظرفیت ذهنی‌سازی در سنین ۴ الی ۵ سالگی در یک بستر ایمن همراه با روابط اولیه شکل می‌گیرد، والدین از طریق درک هیجانات و انعکاس درست آن‌ها به کودک می‌توانند اساس و زیربنای رشد ذهنی‌سازی را برای فرد آماده کنند. بنابراین ذهنی‌سازی به عنوان یک ظرفیت انسانی عاملی مهم بر تنظیم هیجان می‌باشد و در برقراری روابط اجتماعی امری ضروری است (اسدی، بخشی‌پوررودسری، علیلو و موسوی^{۱۸}، ۱۴۰۰).

به اعتقاد فوناگی^{۱۹} (۲۰۱۸) دو مؤلفه‌ی مهمی که با ظرفیت ذهنی‌سازی مرتبط هستند دلبستگی و تنظیم هیجانی می‌باشد؛ براساس دیدگاه او ظرفیت ذهنی‌سازی نقش مهمی در گسترش ظرفیت تنظیم هیجانی و توانایی تعدیل حالت‌های عاطفی دارد؛ در نتیجه ظرفیت تنظیم هیجان از طریق تعاملات بین‌فردی شکل می‌گیرد. بنابراین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعامل عاطفی و کلامی ایمن و سالم میان مادر و کودک به نوبه‌ی خود باعث گسترش توانایی شخص در فکر کردن در مورد احساسات و نیت‌های دیگران (ذهنی‌سازی) می‌شود (دورگر، فتحی‌آشتیانی، واشرفی^{۲۰}، ۱۳۹۹).

اسکوارزر، نولت، فوناگی و گینگل مایر^{۲۱} (۲۰۲۱) در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسیدند که ظرفیت ذهنی‌سازی با توانایی تنظیم هیجان مرتبط می‌باشد و هر میزان فرد از ظرفیت ذهنی‌سازی بالاتری برخوردار باشد، تمایل کمتری به استفاده از راهبردهایی چون فرار یا اجتناب از روبرو شدن با هیجان‌های منفی مانند خشم و اضطراب خواهد داشت.

در این راستا، اسدی، بخشی‌پور رودسری، محمودعلیلو، سیدموسوی (۱۴۰۰) بیان کردند که بین توانایی ذهنی‌سازی با بدتنظیمی هیجانی نیز رابطه وجود دارد. همچنین متغیر توانایی ذهنی‌سازی می‌تواند نقش میانجی در رابطه بین امنیت دلبستگی با بدتنظیمی هیجانی داشته باشد. همچنین نیز مهارت تنظیم هیجان در دوران بزرگسالی افراد را در برابر مشکلات عمده‌ای حفظ می‌کند و این مستلزم داشتن والدین ایمن و باتوانایی ذهنی‌سازی بالا می‌باشد.

بنابراین از آنجا که محیط خانواده و ارتباطات کلامی و هیجانی میان والد-فرزند عامل مهمی در رشد هیجانی و اجتماعی افراد در بزرگسالی محسوب می‌شود (هالنشتاین، تایق و لاقید^{۲۲}، ۲۰۱۷) و در این میان تعاملات بین مادر و کودک به دلیل پاسخگویی و ارتباط بیشتر مادر در جهت رفع نیازهای کودک نقش اصلی‌تری را در رشد و تنظیم هیجانی افراد دارد و درک فرد از حالات ذهنی را تسهیل می‌کند (هریس^{۲۳}، ۲۰۰۶). از این رو پژوهش حاضر با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش‌های پیشین مبنی بر وجود ارتباط بین ظرفیت ذهنی‌سازی با روابط موضوعی و واکنش‌پذیری هیجانی، به دنبال آن بود تا به این سوال پاسخ دهد که ظرفیت ذهنی‌سازی، می‌تواند واکنش‌پذیری هیجانی را براساس روابط موضوعی میانجی‌گری کند؟

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ جمع‌آوری داده‌ها، از نوع توصیفی-همبستگی مبتنی برمدل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان متاهل شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود. به دلیل اینکه پژوهش حاضر از سری مطالعات معادلات ساختاری به شمارمی‌آید، جهت برآورد حجم نمونه کافی از روش تعیین حجم نمونه کلاین^{۲۴} (۲۰۱۶) استفاده شد. طبق این روش، تعداد سوالات در ۲/۵ الی ۵ ضرب می‌شود تا حداقل و حداکثر نمونه تعیین گردد. بنابراین نمونه‌ای مشتمل بر ۲۷۰ نفر از زنان متاهل شهر تهران برای پژوهش حاضر در نظر گرفته‌شد که به منظور گردآوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و پرسشنامه‌ها در کانال‌های مختلف مربوط به دانشجویان در فضای مجازی در اختیار داوطلبان قرارگرفت و افراد نمونه از میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران انتخاب شدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: ۱- داشتن رضایت و تمایل آگاهانه ۲- متاهل بودن: به دلیل وجود سوالایی در زمینه‌ای ارتباط با جنس مخالف و رضایت جنسی در مقیاس روابط موضوعی این ملاک انتخاب شد ۳- شرایط سنی بین ۲۵ تا ۴۰ سال: به دلیل سنجش افراد در شرایط سنی تقریباً یکسان و انتخاب رنج سنی که افراد در اوج هیجانات جوانی و یا بحران میانسالی نباشند ۴- زن بودن: به دلیل ضروری بودن انتخاب گروه خاص برای دقت پژوهش و تاثیر نقش جنسیتی بر واکنش‌پذیری هیجانی زن بودن ملاک ورود در نظر گرفته‌شد ۵- شروع زندگی متاهلی حداقل به مدت یک سال: سپری شدن مدت زمانی از آغاز زندگی مشترک به دلیل کم شدن هیجانات اولیه و وجود ثبات در روابط این ملاک در نظر گرفته‌شد ۶- ساکن شهر تهران ۷- کسب نمره‌ی کلی ۲۳ و پایین‌تر که نشانگر سلامت عمومی در پرسشنامه سنجش سلامت عمومی (GHQ) (گلدبرگ، ۱۹۷۲).

ملاک‌های خروج از مطالعه: ۱- نداشتن ملاک‌های ورود ۲- عدم پاسخدهی کامل به سوالات پژوهش ۳- جدایی والدین: به دلیل تاثیر طلاق بر فضای خانواده و روابط، به ویژه روابط مادر و کودک.

ابزارهای پژوهش

مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی (ERS)^{۲۵}

پرسشنامه واکنش‌پذیری هیجانی توسط ناک و همکاران (۲۰۰۸) ساخته شده‌است. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارش دهی جهت سنجش حساسیت، شدت و تداوم هیجان در فرد است که شامل ۲۱ گویه بوده و بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای از ۰-۴ نمره‌گذاری می‌شود. تحلیل عاملی وجود ۳ عامل از واکنش‌پذیری هیجانی: حساسیت (تمایل به سریع احساساتی شدن)، شدت (زمانی که احساسات را تجربه می‌کنیم من آن‌ها را بسیار شدید/قوی احساس می‌کنم) و ماندگاری (زمانی که عصبانی و ناراحت هستم خیلی طولانی‌تر از اکثر مردم آرام می‌شوم) را نشان می‌دهد. در مطالعه ناک و همکاران (۲۰۰۸) آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۴، خرده مقیاس حساسیت ۰/۸۸، شدت ۰/۶۶ و پایداری ۰/۸۱ گزارش شده است. همچنین ERS همبستگی معناداری با مقیاس پرسشنامه پذیرش و عمل (هایز^{۲۶} و همکارانش، ۲۰۰۶) دارد (گرتز و روئمر^{۲۷}، ۲۰۰۴). نمره بالاتر نشان دهنده واکنش‌پذیری هیجانی بالاتر است. حداقل نمره ۰ و حداکثر نمره ۸۴ است. در مطالعه قبلی هنزائی، زنجانی و امیدی^{۲۸} (۱۳۹۹) ضریب همسانی درونی پرسشنامه ۰/۹۲ و پایایی بازآزمایی ۰/۷۲ به دست آمد و اعتبار همگرایی این پرسشنامه با پرسشنامه اضطراب سلامت ۰/۳۳ و حساسیت اضطرابی ۰/۴۱ بود. میزان آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۰۸ می‌باشد.

پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت سنجی بل (BORRTI) ۲۹

بل ۳۰ پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت آزمایی را در سال ۱۹۹۵ طراحی نمود. در این پرسشنامه ۴۵ سوال به سنجش روابط موضوعی می‌پردازد. این پرسشنامه ۴ خرده مقیاس بی‌کفایتی اجتماعی^{۳۱}، خودمیان‌بینی^{۳۲}، دلبستگی‌ناایمن^{۳۳} و بیگانگی^{۳۴} را شامل می‌شود. در پرسشنامه فوق‌الذکر هر سؤال واجد دو گزینه بله و خیر است؛ که گزینه بله نمره ۱ و گزینه خیر نمره صفر را به همراه دارد. میزان آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۶۹ می‌باشد. بل و همکاران ضریب پایایی مقیاس روابط موضوعی با فاصله زمانی دو هفته را بین ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و با فاصله زمانی ۱۳ هفته بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند. روایی آزمون نیز از طریق همبستگی بالا با مقیاس فشردگی درجه‌بندی روانپزشکی (BPRS)، مقیاس نشانگان مثبت و منفی (PANSS)، فهرست تجدید نظر شده ۹۰ گویه‌ای نشانه‌های بیماری (SCL-90-R)، پرسشنامه شخصیتی چندوجهی مینه‌سوتا (MMPI-2)، پرسشنامه چندمحوری بالینی میلون (MCMI-II) و اندازه‌گیری‌های فیزیولوژیکی تأیید شد (گلدمن و اندرسون^{۳۵}، ۲۰۰۷). در ایران این پرسشنامه توسط رضاقلی‌زاده^{۳۶} (۱۳۸۸) اجرا شد و پایایی هر یک از خرده مقیاس‌ها در نمونه ایرانی عبارت بودند از: بیگانگی، ۰/۶۰، دلبستگی‌ناایمن ۰/۶۴، خودمیان‌بینی ۰/۸۰ و بی‌کفایتی اجتماعی ۰/۶۱. همچنین ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت آزمایی بل در سال ۸۹-۹۰ در نمونه‌های ایرانی بررسی شد و با آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها از ۰/۶۶ برای بی‌کفایتی اجتماعی تا ۰/۸۸ برای بیگانگی تأیید شد (هادی‌نژاد، طباطباییان، دهقانی^{۳۷}، ۱۳۹۳). اعتبار عوامل مقیاس با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۷۷-۰/۶۰، ضریب اعتبار دونیمه کردن ۰/۷۷-۰/۶۰ و تتای ترتیبی کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آمد. همبستگی‌های معنادار بین ابعاد روابط موضوعی و سطوح مکانیزم‌های دفاعی نیز روایی همگرا و واگرای مقیاس روابط موضوعی بل را تأیید کرد (مسگریان، آزادفلاح، فراهانی و قربانی^{۳۸}، ۱۳۹۶).

پرسشنامه عملکرد بازتابی (RFQ) ۲۹

یک ابزار خود توصیفی برای سنجش توانایی ذهنی‌سازی است که در قالب یک پژوهش سه مرحله‌ای توسط فوناگی و همکاران (۲۰۱۶) ساخته شد. در تحلیل عاملی که آن‌ها بر رویدادهای این پژوهش انجام دادند دو عامل اطمینان^{۴۰} و عدم اطمینان^{۴۱} در مورد حالت ذهنی خود و دیگران در آن کشف و گزارش گردید. روش نمره‌گذاری این پرسشنامه که ۲۶ ماده دارد به این صورت است که ابتدا برای مؤلفه اطمینان، سؤالات به صورت مستقیم در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف نمره‌گذاری می‌شود. برای مؤلفه عدم اطمینان همان مواد به صورت برعکس نمره‌گذاری می‌شود. فوناگی و همکاران ثبات درونی برای مؤلفه اطمینان و عدم اطمینان را به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۶۷ در نمونه غیربالینی گزارش کردند پایایی آزمون را با روش آزمون - بازآزمون با فاصله سه هفته ۰/۸۴ برای عدم اطمینان و ۰/۷۵ برای مؤلفه اطمینان به دست آوردند. نسخه فارسی این پرسشنامه دربرگیرنده ۱۴ مولفه بوده و از خصوصیات روانسنجی قابل قبولی جهت اجرا در جامعه ایرانی برخوردار است. تحلیل عاملی اکتشافی این پرسشنامه در گروه دانشجویان ایرانی دو عامل اطمینان و عدم اطمینان را نشان داد و همسانی درونی آن با روش آلفای کرونباخ برای هر یک از زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۶۶ به دست آمد. همچنین مولفه‌های اطمینان با اضطراب - افسردگی، سبک دوسوگرا و دلبستگی ایمن رابطه معنادار داشت و اعتبار همگرایی این مولفه را نشان می‌دهد و عدم اطمینان هم با اضطراب - افسردگی و ذهن

آگاهی، سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه معنادار داشته و اعتبار همگرا را نشان می‌دهد. بین دو مولفه‌ی اطمینان و عدم اطمینان همبستگی منفی و معناداری مشاهده شد (دروگر، فتحی آشتیانی و اشرفی، ۱۳۹۹). در این پژوهش از نسخه هنجار شده ۱۴ سوالی استفاده می‌گردد که سوالات ۱ تا ۹ مولفه اطمینان و سوالات ۱۰ تا ۱۴ مولفه عدم اطمینان را می‌سنجد. میزان آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۴ می‌باشد.

پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ)^{۴۲}

پرسشنامه سلامت عمومی ۲۸ سوالی گلدبرگ و هیلر^{۴۳} (۱۹۷۹) دارای ۴ زیر مقیاس و هر زیر مقیاس ۷ سوال دارد. سوالات پرسشنامه از طیف لیکرت ۴ درجه‌ای برخوردار هستند که نمره‌گذاری آن بین صفر تا سه است و کسب نمره بالاتر نشان دهنده‌ی کم بودن سلامت عمومی است (سپهوند، گیلانی و زمانی^{۴۴}، ۱۳۸۵). جونگ و اسپیدز^{۴۵} (۱۹۹۴) ضریب پایایی کل این پرسشنامه را ۰/۵۵٪ و ضریب پایایی خرده‌آزمون‌ها را بین ۰/۴۲٪ تا ۰/۴۷٪ گزارش کردند. گلدبرگ^{۴۶} (۱۹۷۶) همبستگی میان داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه سلامت عمومی و چک لیست علائم روانی (SCL-90) را بر روی ۲۴۴ آزمودنی به میزان ۰/۷۸٪ گزارش نمود. در مطالعه تقوی^{۴۷} (۱۳۸۰) پایایی مقیاس از طریق روش بازآزمایی برای کل پرسشنامه ۰/۷۲ و برای خرده مقیاس‌های نشانه‌های اضطراب، بدکارکردی اجتماعی و افسردگی به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۶۸، ۰/۵۷، ۰/۵۸٪ گزارش شده‌است. افزون براین، در بررسی پایایی این پرسشنامه، همبستگی بین خرده مقیاس‌ها با کل پرسشنامه بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۷ به دست آمد. مجاهد^{۴۸} (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی وضعیت رفتار کودکان و سلامت روان والدین در خانواده‌های چند همسری" از ضریب همبستگی نمرات در دو نوبت استفاده کرد و ضریب همبستگی ۰/۶۲ به دست آمد. در مطالعه حاضر از پرسشنامه‌ی سلامت عمومی (GHQ) به عنوان ملاکی برای ورود افراد به پژوهش استفاده می‌شود. نمره‌ی کلی ۲۳ و بالاتر از آن نشانگر عدم سلامت عمومی و نمره پایین‌تر از ۲۳ بیانگر سلامت عمومی می‌باشد و افرادی که نمره‌ی ۲۳ و بالاتر از آن را در این مقیاس دریافت کردند از پژوهش ما خارج شدند.

روش اجرای پژوهش

به‌منظور اجرای پژوهش، ابتدا از طریق سوالات جمعیت‌شناختی و نمره آزمون سلامت عمومی افرادی که ملاک ورود به پژوهش را داشتند شناسایی شدند؛ سپس درباره‌ی هدف پژوهش، نحوه پاسخگویی و محرمانه ماندن اطلاعات توضیحاتی کامل ارائه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی شامل شاخص‌های میانگین، انحراف استاندارد، نمودار و جداول و در سطح استنباطی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل مسیر شیوه‌ای برای بررسی ارتباط میان متغیرها است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS22 و AMOS26 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پس از بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی، در جدول ۱، توزیع و درصد فراوانی مربوط به هر یک از متغیرهای سطح تحصیلات، مدت زمان ازدواج، تعداد فرزند و نیز میانگین و انحراف معیار متغیر سن برای آزمودنی‌های شرکت کننده در پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی آزمودنی‌های مورد مطالعه

متغیر	فراوانی	درصد
تحصیلات	دیپلم	۲۶
	فوق دیپلم	۸
	کارشناسی	۱۰۲
	کارشناسی ارشد	۱۰۹
	دکتری	۲۸
	کل	۲۷۳
مدت ازدواج	۵-۱ سال	۸۲
	۵-۳ سال	۴۱
	۱۰-۵ سال	۱۶
	۱۰ سال بالاتر	۸۹
	کل	۲۷۳
تعداد فرزندان	بدون فرزند	۱۴۸
	یک	۷۰
	دو	۴۷
	سه	۵
	چهار	۳
	کل	۲۷۳
سن	میانگین	۳۲/۲۶
	انحراف استاندارد	۵/۴۲

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، افراد با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد، بیشترین درصد و فراوانی از افراد نمونه را با ۳۹/۹ درصد تشکیل می‌دادند و همچن افراد با مدت زمان ازدواج ۱۰ سال و بالاتر، بیشترین درصد و فراوانی از افراد نمونه را با ۳۲/۶ درصد شکل می‌دهند و در نهایت اکثریت افراد نمونه بدون فرزند هستند که ۵۴/۲٪ از افراد نمونه را تشکیل داده‌اند. همچنین براساس این جدول میانگین سنی در افراد نمونه ۳۲/۲۶ و با انحراف استاندارد ۵/۴۲ می‌باشد. در جدول ۲، شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه پژوهش ارائه شده- است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه پژوهش

عامل کلی	زیر مقیاس‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشدگی
روابط موضوعی	بیگانگی	۲۶/۸۳	۵/۵۴	-۰/۲۱۲	-۰/۳۴۹
	دلبستگی نا ایمن اجتنابی	۲۴/۶۸	۵/۴۳	-۰/۲۹۵	-۰/۱۰۵
	خودمیان بینی	۳۵/۴۱	۷/۱۵	-۰/۰۸۴	-۰/۲۵۸
	بی کفایتی اجتماعی	۱۹/۰۲	۴/۶۷	-۰/۰۱۹	-۰/۱۸۵
ظرفیت ذهنی سازی	اطمینان	۴۱/۲۱	۱۱/۶۵	-۰/۴۵۱	-۰/۰۹۱
	عدم اطمینان	۱۵/۵۱	۵/۵۹	-۰/۲۳۷	-۰/۳۸۷
واکنش پذیری هیجانی	حساسیت	۲۲/۶۳	۷/۵۷	-۰/۱۹۷	-۰/۴۰۴
	شدت	۱۶/۵۵	۴/۹۲	-۰/۰۳۱	-۰/۵۸۷
	پایداری	۱۰/۱	۲/۸۸	-۰/۱۵۴	-۰/۲۸۵

جدول ۲ نمای کلی از شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش را نشان می‌دهد. برای هر زیرمقیاس، میانگین و انحراف استاندارد به عنوان شاخص‌های مرکزی و پراکندگی محاسبه شده‌اند. همچنین، مقادیر چولگی و کشیدگی به منظور بررسی توزیع داده‌ها ارائه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مقادیر چولگی و کشیدگی برای تمام متغیرها در محدوده قابل قبول قرار دارند (معمولاً بین -۲ تا +۲)، که نشان‌دهنده توزیع نرمال تقریبی داده‌ها است و امکان استفاده از روش مدل معادلات ساختاری را فراهم می‌کند.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ماتریس متغیرها		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
		بیگانگی	دلبستگی ناایمن اجتنابی	خودمیان بینی	بی کفایتی اجتماعی	اطمینان	عدم اطمینان	حساسیت	شدت	پایداری
۱	بیگانگی	۱								
۲	دلبستگی ناایمن اجتنابی	۰.۵۳۰**	۱							
۳	خودمیان بینی	۰.۶۲۱**	۰.۵۸۶**	۱						
۴	بی کفایتی اجتماعی	۰.۵۷۴**	۰.۶۳۲**	۰.۶۹۲**	۱					
۵	اطمینان	۰.۰۱۰	-۰.۰۸۹	۰.۰۵۰	-۰.۰۵۷	۱				
۶	عدم اطمینان	۰.۱۹۴**	۰.۳۱۳**	۰.۴۵۵**	۰.۳۸۵**	۰.۴۰۸**	۱			
۷	حساسیت	۰.۰۸۱	۰.۱۷۳**	۰.۳۵۸**	۰.۳۰۲**	۰.۰۱۵	۰.۲۷۰**	۱		
۸	شدت	۰.۰۳۶	۰.۱۳۷**	۰.۳۳۴**	۰.۲۴۹**	۰.۰۶۳	۰.۲۱۲**	۰.۸۲۶**	۱	
۹	پایداری	۰.۰۹۳	۰.۲۰۱**	۰.۳۵۳**	۰.۲۹۲**	۰.۰۶۳	۰.۲۰۶**	۰.۷۷۱**	۰.۷۰۶**	۱

*P < ۰/۰۵، **P < ۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، غالب همبستگی‌های دویه‌دو بین مؤلفه‌های متغیر مستقل و وابسته و متغیرهای میانجی در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنی‌دار هستند و در محدوده مناسبی (۰/۳) قرار دارند که از پیش‌نیاز بررسی مفروضه عدم هم‌خطی را فراهم می‌کند. از طرفی رابطه بین نمره کل روابط موضوعی فرد با نمره کل واکنش‌پذیری هیجانی با مقدار $r = ۰/۲۸۶$ در سطح $p \leq ۰/۰۱$ معنادار می‌باشد و این معناداری به صورت مثبت می‌باشد، رابطه بین نمره عدم اطمینان از مولفه‌های ظرفیت ذهنی‌سازی با واکنش‌پذیری هیجانی با مقدار ۰/۲۵۷ به صورت مثبت و معنادار می‌باشد ($p \leq ۰/۰۵$) و همچنین رابطه بین نمره کل روابط موضوعی فرد با مولفه عدم اطمینان ظرفیت ذهنی‌سازی با مقدار $r = ۰/۴۰۸$ در سطح $p \leq ۰/۰۱$ معنادار می‌باشد و این معناداری به صورت مثبت است.

در مدل معادلات ساختاری، فرض می‌شود که بین نشانگر و متغیرهای مکنون و بین متغیرهای مکنون روابط خطی وجود دارد (گارسون، ۲۰۰۷). در این مطالعه، استفاده از روش نمودارهای پراکندگی، مفروضه خطی بودن را تأیید کرد. همچنین عامل تورم واریانس^{۴۹} (VIF) و ضریب تحمل^{۵۰} تک‌تک متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان‌داد که مسئله هم‌خطی چندگانه در بین متغیرهای پیش‌بین تحقیق رخ نداده‌است؛ زیرا که مقادیر

ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس برای هر یک از متغیرهای پیش‌بین بالاتر از ۱۰ نیست. نرمال بودن توزیع چند متغیری یکی دیگر مفروضه تحلیل مدل یابی معادلات ساختاری بود که از طریق بررسی شکل توزیع داده‌های «فاصله ماهالونوبیس (D)»^{۵۱} ارزیابی و بهنجاری چندمتغیره تایید شد.

به منظور بررسی الگوی پراکندگی نمرات واکنش‌پذیری هیجانی در زنان متاهل بر اساس روابط موضوعی فرد با واسطه‌گری ظرفیت ذهنی‌سازی، از تحلیل مسیر استفاده شد. با توجه به معنادار نبودن رابطه ساده متغیر اطمینان در ظرفیت ذهنی‌سازی، این مولفه از مدل حذف شد و بقیه مولفه‌ها مورد آزمون قرار گرفت. در این بخش، به منظور تبیین الگوی پراکندگی نمرات واکنش‌پذیری هیجانی در زنان متاهل بر اساس روابط موضوعی فرد با واسطه‌گری ظرفیت ذهنی‌سازی، از روش مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد.

جدول ۴: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی مفروض بعد از اصلاح

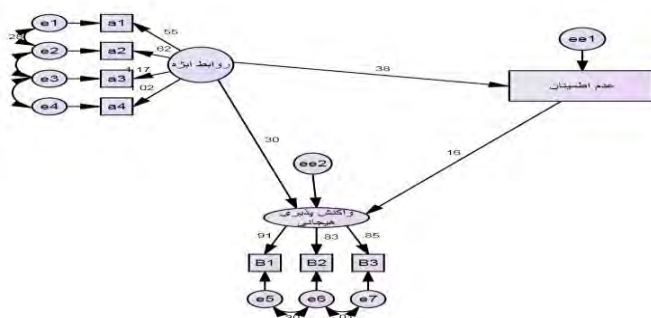
شاخص	χ^2	Df	χ^2/df	GFI	CFI	RMSEA	IFI
قبل از اصلاح مدل	۲۸/۴۳۲	۱۳	۳/۰۶۲	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۰۹۶	۰/۸۸
بعد از اصلاح مدل	۱۷/۶۰۵	۱۳	۱/۳۵۴	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۰۳۶	۰/۹۹
مقدار مطلوب	-	-	کمتر از ۳	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	کمتر از ۰/۰۸	بیشتر از ۰/۹
ارزیابی	-	-	☒	☒	☒	☒	☒

جدول ۵: اثرات مستقیم در بررسی متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	ضریب t	آزمون Sobel (Z)	سطح معناداری
روابط موضوعی فرد	-	عدم اطمینان	۰/۳۸	-	۰/۳۸	۵/۳۷۷	-	۰/۰۰۱
روابط موضوعی فرد	-	واکنش‌پذیری هیجانی	۰/۳۰	-	۰/۳۰	۴/۰۹	-	۰/۰۰۱
روابط موضوعی فرد	عدم اطمینان	واکنش‌پذیری هیجانی	۰/۳۰	۰/۰۵۹	۰/۳۵۹	-	۳/۵۴۷	۰/۰۰۱
عدم اطمینان	-	واکنش‌پذیری هیجانی	۰/۱۶	-	۰/۱۶	۲/۳۵۰	-	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۵ اثر مستقیم روابط موضوعی فرد بر عدم اطمینان از ظرفیت ذهنی‌سازی (۰/۳۸) و واکنش‌پذیری هیجانی (۰/۳۰) از نظر آماری معنادار است. همچنین اثر مستقیم عدم اطمینان از ظرفیت ذهنی‌سازی بر واکنش‌پذیری هیجانی زنان متاهل (۰/۱۶) نیز معنادار می‌باشد. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار t در همه مسیرها بیش از ± 1.96 است که نشان دهنده معنادار بودن این مسیرها است. برای تعیین معناداری رابطه الگوی پیش‌بینی واکنش‌پذیری هیجانی در زنان متاهل بر اساس روابط ابژه فرد با واسطه‌گری ظرفیت ذهنی‌سازی، از آزمون سوبل استفاده شد. در پیش‌بینی واکنش‌پذیری هیجانی زنان

متاهل از طریق روابط موضوعی فرد با واسطه‌گری ظرفیت ذهنی‌سازی مقدار Z بیش از $1/96 \pm$ است و معناداری این مسیر را نشان می‌دهد و می‌توان نتیجه گرفت که « مولفه عدم اطمینان نقش واسطه‌ای میان واکنش‌پذیری هیجانی و روابط موضوعی ایفا می‌کند.»



شکل ۱. ضرایب مسیر الگوی پراکندگی نمرات واکنش‌پذیری هیجانی در زنان متاهل بر اساس روابط موضوعی فرد با واسطه‌گری ظرفیت ذهنی‌سازی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در صدد پیش‌بینی واکنش‌پذیری هیجانی براساس روابط موضوعی با نقش میانجی ظرفیت ذهنی‌سازی است. نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها مؤید این است که نوع روابط موضوعی افراد به صورت مستقیم بر روی واکنش‌پذیری هیجانی زنان متاهل تاثیرگذار است و همچنین نتایج پژوهش نشان‌داد که مولفه‌ی "خودمیان‌بینی" سهم بیشتری در تبیین واکنش‌پذیری هیجانی دارد و پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌تری در پیش‌بینی واکنش‌پذیری هیجانی افراد نمونه می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش تخریری^{۵۲} و همکاران (۱۴۰۰)، طباطبایی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، گامبین^{۵۳} و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد. شواهد حاکی از آن است که نخستین و پایدارترین عاملی که بر رشد شخصیت و سلامت هیجانی افراد تاثیر گذار می‌باشد؛ رابطه‌ی کودک با مادر است که این رابطه همان روابط موضوعی است. الگوهای روابط موضوعی به عنوان تجارب اولیه با مراقبان شکل می‌گیرد و با رشد و تحول، پیچیده‌تر و در سراسر زندگی تکرار می‌شود؛ افرادی که در کودکی یک مادر امن، حمایتگر و در دسترس به عنوان موضوع اولیه داشته‌اند ایگوی قوی و ثبات روانشناختی بالاتری دارند در نتیجه این افراد در صورت روبه‌رو شدن با موقعیت‌های دشوار زندگی از استراتژی‌های هیجانی سالم‌تری استفاده کرده و سازگاری و تحمل‌پذیرانی بالاتری دارند (کنرادی^{۵۴}، ۲۰۱۸). در رابطه با تبیین پژوهش حاضر و با اتکا به پیشینه نظری و تحقیقاتی می‌توان بیان کرد که افرادی که در گذشته روابط موضوعی سالمی را تجربه کردند عملکرد بهتری در تنظیم هیجانات خود خواهند داشت و در روابط عاطفی با همسر و فرزندان خود و همچنین در اجتماع از بهزیستی بیشتری بهره‌مند خواهند شد. درمقابل الگوهای روابط موضوعی معیوب منجر

به مشکلات عمده‌ای در به کارگیری سازوکارهای انطباقی و سازگاران با تنظیم هیجان می‌شوند. بنابراین با توجه به اینکه الگوهای روابط موضوعی سالم در کودکی و در رابطه با والد در دسترس و پاسخگو شکل می‌گیرد و همچنین شکل‌گیری تنظیم هیجان هم نیز در کودکی و در بستر یک رابطه دلبسته محور می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که روابط موضوعی می‌تواند بر میزان واکنش‌پذیری افراد تاثیرگذار باشد.

نتایج پژوهش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که ظرفیت ذهنی‌سازی بر روی واکنش‌پذیری هیجانی زنان متأهل تاثیر می‌گذارد و یافته‌ی به دست آمده با نتایج پژوهش‌های اسکوارزر و همکاران (۲۰۲۱)، احمدی و همکاران^{۵۵} (۱۳۹۹) همسو است. با توجه به پژوهش‌های گذشته در تبیین این موضوع بایستی به این نکته اشاره کرد که، افرادی که دارای ظرفیت ذهنی‌سازی هستند درواقع دارای بازنمایی‌های ذهنی با سطوح بالاتر و قادر به فهم دنیای درون‌روانی خود و دیگران می‌باشند که در پی این مسئله می‌توانند هیجانات خود و دیگران را درک کنند و درهنگام رویارویی با هیجانات منفی و غیرقابل تحمل از راهبردهای سازگاران استفاده خواهند کرد. بنابراین درکل به سبب داشتن مراقب اولیه ایمن که موجبات بازنمایی‌های درونی که به مثابه فیلترهای ذهنی در رویارویی با هیجانات عمل می‌کند این افراد قادر خواهند بود در روابط خود با دیگران چه در خانواده و چه در اجتماع از راهبردهای هیجانی سالم استفاده کنند و درموقعیت‌های مختلف واکنش‌پذیری هیجانی کمتری خواهند داشت.

براساس نتایج آماری داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که با بالا رفتن میزان نمرات افراد نمونه در روابط موضوعی، بر میزان مولفه عدم اطمینان ظرفیت ذهنی‌سازی آن‌ها افزوده می‌شود. بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که مولفه‌های روابط موضوعی همچون بی‌کفایتی اجتماعی، خودمیان‌بینی، دلبستگی ناایمن و بیگانگی بر عدم اطمینان ظرفیت ذهنی‌سازی زنان متأهل تاثیر می‌گذارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که "مولفه خودمیان‌بینی" که متشکل از بی‌اعتمادی دیگران و کنترل و اعمال قدرت به دیگران است، پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌تری در پیش‌بینی "عدم اطمینان ظرفیت ذهنی‌سازی" افراد نمونه می‌باشد و این نتایج با نتایج پژوهش‌های اسکلیارو^{۵۶} (۲۰۲۰)، آگوستینی^{۵۷} و همکاران (۲۰۱۹)، عینی و نریمانی^{۵۸} (۱۳۹۸) مشابهت دارد. در تبیین نتیجه به دست آمده می‌توان گفت که هرچه فرد در رابطه با مراقب اولیه‌ی خود احساس ناامنی بیشتری داشته باشد از ظرفیت ذهنی‌سازی پایین‌تری برخوردار خواهد بود. هنگامی که افراد در کودکی دارای یک مادر یا مراقب اولیه ایمن، حساس و پاسخگو باشند می‌توانند این شانس را پیدا کنند که ظرفیت ذهنی‌سازی خود را از طریق برقراری تعاملات بین اذهانی با مراقبش افزایش دهد. همچنین وجود رویدادهای آسیب‌زا در کودکی از جمله غفلت‌های عاطفی و تنبیه‌های شدید و الگوهای مخرب روابط موضوعی باعث ایجاد ترس و ناامنی شده است که این خود سبب کاهش ظرفیت ذهنی‌سازی و بروز مشکلات در بزرگسالی می‌شود. همچنین براساس نتایج داده‌ها مولفه‌ی خودمیان‌بینی پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌تری در حالت عدم اطمینان می‌باشد زیرا این مولفه به معنی بی‌اعتمادی به دیگران، تمایل به درک و دریافت دیگران تنها در رابطه با خود و این احساس که دیگران در جهت اهداف خودمحورانه شخصی دستکاری شوند، می‌باشد مانند اختلال‌های شخصیت ضد اجتماعی و خودشیفته و این افراد هیچ آگاهی و نگرانی درباره‌ی احساسات دیگران ندارند و افرادی که ظرفیت ذهنی‌سازی پایینی دارند تمایلی به درک احساسات و افکار دیگران از خود نشان نمی‌دهند. اما از سویی دیگر مولفه‌ی اطمینان ذهنی‌سازی است که سبب می‌شود فرد نیازهای دیگران را درک کند و تعاملات بین‌فردی مثبت و مبتنی بر اعتماد را

شکل‌دهد و افرادی که حس امنیت و اطمینان دارند خودپنداره و تجربیات مثبت‌تری را گزارش می‌کنند و می‌توانند هیجانات خود را تعدیل کنند و واکنش‌پذیری هیجانی پایین‌تری را بروز دهند.

در مجموع بر اساس یافته‌های این پژوهش و نتایج معادلات ساختاری می‌توان نتیجه گرفت که ظرفیت ذهنی‌سازی نقش واسطه‌ای میان واکنش‌پذیری هیجانی و روابط موضوعی را ایفا می‌کند و این نتیجه به‌دست آمده با یافته‌های پژوهش‌های اسدی و همکاران (۱۴۰۰)، لویتن و همکاران (۲۰۱۷)، انسینک^{۵۹} و همکاران (۲۰۱۶)، همسو می‌باشد. در رابطه با تبیین این مطلب می‌توان اظهار کرد که همان‌طور که می‌دانیم در بافتی که مراقب اولیه ایمن و پاسخگو نباشد و همچنین ظرفیت تامل بر دنیای درون‌روانی کودک را نداشته‌باشد، نمی‌تواند زمینه را برای شکل‌گیری بازنمایی‌های ذهنی درست از واقعیت فراهم کند. براین اساس داشتن الگوهای روابط موضوعی مخرب و ناایمنی در دل‌بستگی باعث عدم شکل‌گیری ظرفیت ذهنی‌سازی بالا می‌شود. تجارب نامطلوب دوران کودکی و در نتیجه‌ی آن فقدان ذهنی‌سازی مانع از همدلی، فهم هیجانات، حس امنیت و تعاملات اجتماعی سازنده می‌گردد و سبب می‌شود که فرد در بزرگسالی به هنگام قرار گرفتن در شرایط بحرانی توانایی تعدیل و تنظیم هیجانات خود را نداشته باشد و حساسیت و واکنش‌پذیری بیشتری از خود نشان دهد و در نتیجه در برابر انواع اختلالات روانی آسیب‌پذیر می‌گردد.

پژوهش حاضر نشان داد که روابط موضوعی می‌تواند واکنش‌پذیری هیجانی را با نقش واسطه‌ای مولفه‌ی عدم اطمینان پیش‌بینی کند و این مدل مفهومی از برازش مطلوبی برخوردار است. موضوع سلامت هیجانی باید از همان نوزادی توسط والدین به ویژه مادر مهم تلقی شود تا کودک در دوران بزرگسالی در مسئله‌ی تعدیل هیجان که از اهمیت زیادی برخوردار است، دچار آسیب‌های هیجانی از جمله واکنش‌پذیری هیجانی بالا نشود. همان‌طور که مشخص است مادر به اندازه کافی خوب مهارت بالایی در کشف هیجانات و ظرفیت تامل کردن بر دنیای درون‌روانی خود و فرزندش دارد که باعث شکل‌گیری بازنمایی‌های بهنجار در ذهن کودک می‌شود و با همین بازنمایی‌های ذهنی است که فرد با اطرافیان خود ارتباط برقرار می‌کند. چون براساس نظریه ذهنی‌سازی هنگامی که کودک یک هیجانی مانند ترس را تجربه می‌کند در این هنگام مادر براساس توانایی‌های غریزی خود نسبت به هیجانات تجربه شده‌ی کودک واکنش نشان می‌دهد و به اصطلاح مادر، آینه‌ای می‌شود تا کودک متوجه شود که در دنیای درونی‌اش چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است. این واکنش‌های آینه‌وار مادر کمک می‌کند تا کودک بتواند هیجانات خود را بشناسد و برای آن‌ها نمادسازی کند. واکنش آینه‌وار مادر دارای دو ویژگی است یکی هم‌آهنگی^{۶۰} به این معنی که باید حالت هیجانی مراقب متناسب با حالت درونی و ذهنی کودک باشد و دیگری بزرگ‌نمایی شده و شاخص بودن^{۶۱}، می‌باشد بدین معنی که حالت چهره‌ای مادر به شکلی اغراق شده و متفاوت با زمانی که خودش آن هیجان را تجربه می‌کند، باشد و مادر باید حالت هیجانی کودک را نشان دهد. مادر همزمان با واکنش نشان دادن به هیجانات کودک به آن‌ها برچسب نیز می‌زند (مثال به کودک می‌گوید ترسیدی؟ چی شد که ترسیدی؟) که این فرایند خود باعث می‌شود که کودک علاوه بر فهم و ذهنی‌سازی کردن هیجاناتش متوجه می‌شود که این هیجانات از جانب دیگری پذیرفته شده است و در نتیجه منجر می‌شود کودک در بزرگسالی هم این هیجانات را بپذیرد و آن‌ها را به شکل درستی ابراز کند و زمانی که مادر هیجان کودک را تعدیل می‌کند به او یاد می‌دهد که در آینده دیگرانی خواهند بود که ایمن و در دسترس باشند و بتوانند هیجانات او را تعدیل کنند. در نتیجه این فرایند، فرد در بزرگسالی هنگامی که در موقعیت‌های

دشوار قرار می‌گیرد هیجانات سالم و رفتارهای مناسب‌تری از خود نشان می‌دهد و واکنش‌پذیری هیجانی پایین‌تری دارد بنابراین با دیگران به ویژه افراد مهم زندگی‌اش روابط بهتری دارد. اما درمقابل، مادری که هیجان کودک خود را نادیده می‌گیرد سبب شکل‌گیری مولفه‌ی بیگانگی در کودک شده به گونه‌ای که فرد در بزرگسالی از ایجاد رابطه‌ی صمیمی با دیگران اجتناب کرده؛ و یا مادری که رفتارهایش برای کودک قابل پیش‌بینی نیست دلبستگی ناایمن در کودک را شکل داده و این افراد در آینده به طرد شدن از سوی دیگران حساسیت زیاد نشان می‌دهند. بنابراین فرد به خاطر نبودن در یک بستر ایمن به دنیای بیرون احساس امنیت و اطمینان نداشته و در نهایت شکل‌گیری عدم اطمینان ظرفیت ذهنی‌سازی باعث عدم توانایی فرد در مهار هیجانات منفی در مواقع استرس‌زا بوده و موجب واکنش‌پذیری پایین می‌شود.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود از جمله اینکه در این پژوهش، فقط از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده‌است و از آنجا که پرسشنامه یک روش خودگزارشی می‌باشد، بنابراین احتمال سوگیری در پاسخ‌ها مطرح می‌شود. محدودیت دیگر این بود که پژوهش حاضر بر روی زنان متاهل ۲۵ تا ۴۰ سال شهر تهران انجام شده است، بنابراین باید در تعمیم نتایج به مردان و گروه‌های سنی دیگر جانب احتیاط را رعایت کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، سایر گروه‌های سنی، هر دو جنس و سایر مناطق جغرافیایی مدنظر قرار گرفته‌شود، پژوهش فوق در نمونه‌های بزرگتر اجرا شود و نیز محققین در پژوهش‌های آتی از ابزارهای دیگر (به جز خود گزارشی) مانند مصاحبه و سایر ابزارهای بالینی استفاده کنند و پژوهش کیفی در این زمینه صورت گیرد.

به دلیل اهمیت و تاثیری که روابط موضوعی بر روی توانایی ذهنی‌سازی و میزان واکنش‌پذیری افراد دارد می‌توان از نتایج پژوهش برای نظارت بر پیشرفت عملی مداخلات طراحی شده برای درمان افراد با آسیب‌های هیجانی، ظرفیت پایین ذهنی‌سازی، دارای الگوهای روابط موضوعی معیوب و نیز بهبود کیفیت روابط با دیگران از جمله روابط زناشویی استفاده کرد. همچنین می‌توان پیش‌بینی کرد که برخی از افراد براساس نوع روابط موضوعی‌شان ممکن است مخاطراتی را در حوزه‌ی ذهنی‌سازی و هیجان تجربه کنند بنابراین مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند از نتایج به‌دست‌آمده پژوهش حاضر برای ارزیابی و تهیه مداخلات برای افراد با مشکلات هیجانی استفاده کنند. امید است در کشورمان متغیر ذهنی‌سازی که کمتر شناخته‌شده‌است، در جهت رشد مکانیزم‌های سطح بالاتر تنظیم هیجان و کاهش واکنش‌پذیری هیجانی افراد و اصلاح روابط موضوعی وارد سیستم تعلیم و تربیت خانواده‌ها و آموزش و پرورش شود.

سپاسگزاری

گروه پژوهشی از تمامی کسانی که با همراهی و همکاری بی دریغشان ما را در این مسیر یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد. مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است که در دانشگاه تهران با کد اخلاق: IR.UT.PSYEDU.REC.1401.098 ثبت گردیده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Sharp, Vanwoerden & Wall
2. Nock, Wedig & Holmberg
3. Emotion Regulation (ER)
4. Güler & Karaca
5. Emotional Reactivity
6. Price, Leavitt & Allsop
7. Nock & Prinstein
8. Kealy, Ogrodniczu, & Howell-Jones
9. Object
10. Katz
11. Sant Clair
12. Rogosch, Toth & Cicchetti
13. Cain & Hilsenroth
14. Barakolias, Langdn & Peterson
15. Mentalizing
16. reflective functioning
17. Luyten, Campbell & Allison
18. Asad, Bakhshipour Roudsar, Mousavi & Alilou
19. Fonagy
20. Drogar, Ashrafi & Fathi-Ashtiani
21. Schwarzer, Nolte, Fonagy, & Ginkelmaier
22. Hollenstein, Tighe & Loughheed
23. Harris
24. Kline
25. Emotion Reactivity Scale (ERS)
26. Hayes
27. Gratz & Roemer
28. Moghbeli, Zanzan & Omid
29. Bell Object Relations and Reality Testing Inventory
30. Bell
31. SI: Social Incompetence
32. EGO: Egocentricity
33. IA: Insecure Attachment
34. ALN: Alienation
35. Goldman & Anderson
36. Reza Gholizadeh
37. Hadinezhad, Dehghani & Tabatabaeian
38. Mesgariyan, Azad Fallah, Farahani & Ghorbani
39. Reflective functioning questionnaire
40. Certainty
41. Uncertainty
42. General health questionnaire
43. Goldberg & Hillier
44. Sepahvand, Guilani & Zamani
45. Jung and Spades
46. Goldberg
47. Taghavi
48. Mojahed
49. variance inflation factor
50. tolerance
51. Mahalanobis distance (D)
52. Takhayori
53. Gambin
54. Conradi
55. Ahmadi
56. Sklyarov
57. Agostini
58. Einy & Narimani
59. Ensink
60. Attunement
61. Markednes

References

- Agostini, A., Scaioli, E., Belluzzi, A., & Campieri, M. (2019). Attachment and mentalizing abilities in patients with inflammatory bowel disease. *Gastroenterology research and practice*, 2019.<https://doi.org/10.1155/2019/7847123>
- Ahmadi M, Bagherian-Sararoudi R, Mosavi S M H. Mentalization and Its Multidimensional Nature. *RBS* 2021; 18 (4) :616-622.<http://dx.doi.org/10.52547/rbs.18.4.616>
- Asadi S S, Bakhshipour Roudsari A, Mahmoud Alilou M, Seyed Mousavi P S. (2022). The relationship between attachment security and emotional dysregulation of adolescent: The mediating role of mentalization ability. *Rooyesh*. 10(12), 85-96.<http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1400.10.12.15.7>
- Bell, M. D. (1995). *Bell Object Relations and Reality Testing Inventory: BORRTI*. Western Psychological Services.https://www.researchgate.net/publication/242282903_Bell_Object_Relations_and_Reality_Testing_Inventory
- Cain, L., & Hilsenroth, M. (2020). Examining the relationship between object relations and interpersonal distress in a clinical sample. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 27(5), 760-769.<https://doi.org/10.1002/cpp.2460>
- Campbell, T. L. (2003). The effectiveness of family interventions for physical disorders. *Journal of Marital and family Therapy*, 29(2), 263-281.<https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2003.tb01204.x>
- Cicchetti, D., Rogosch, F. A., & Toth, S. L. (2006). Fostering secure attachment in infants in maltreating families through preventive interventions. *Development and psychopathology*, 18(3), 623-649.<https://doi.org/10.1017/S0954579406060329>
- Conradi, H. J., Kamphuis, J. H., & de Jonge, P. (2018). Adult attachment predicts the seven-year course of recurrent depression in primary care. *Journal of affective disorders*, 225, 160-166. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.08.009>
- Drogar, E., Fathi-Ashtiani, A., Ashrafi, E. (2020). The Mediating Role of Mentalization in the Relationship between Attachment and Emotional Dysregulation with Social Anxiety: *Journal of Developmental Psychology Iranian Psychologists*. 66(17). 143-145.<https://sanad.iau.ir/Journal/jip/Article/1054617/FullText>
- Einy S, Narimani M. Effectiveness of Mentalization based Therapy on Ego-Strength and Defense Mechanisms in People with Borderline Personality Disorder. *Shefaye Khatam* 2019; 7 (3) :1-12.<http://shefayekhatam.ir/article-1-1946-fa.html>
- Ensink, K., Normandin, L., Plamondon, A., Berthelot, N., & Fonagy, P. (2016). Intergenerational pathways from reflective functioning to infant attachment through parenting. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 48(1), 9.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/cbs0000030>
- Fonagy, P., Gergely, G., Jurist, E. L., & Target, M. (2018). *Affect regulation, mentalization, and the development of the self*. Routledge.https://www.division39.org/pub_reviews_detail_book_id_42.html

- Gambin, M., Woźniak-Prus, M., Konecka, A., & Sharp, C. (2021). Relations between attachment to mother and father, mentalizing abilities and emotion regulation in adolescents. *European Journal of Developmental Psychology*, 18(1), 18-37. <https://doi.org/10.1080/17405629.2020.1736030>
- Gholizadeh, T. (2009). The relationship between father's absence and subjective relationships and narcissistic personality disorder. Master's thesis, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. <https://irandoc.ac.ir/page/2685>
- Goldberg, D. P., & Hillier, V. F. (1979). A scaled version of the General Health Questionnaire. *Psychological medicine*, 9(1), 139-145. <https://doi.org/10.1017/S0033291700021644>
- Goldman, G. A., & Anderson, T. (2007). Quality of object relations and security of attachment as predictors of early therapeutic alliance. *Journal of Counseling Psychology*, 54(2), 111. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-0167.54.2.111>
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, 26, 41-54. <https://doi.org/10.1023/B:JOBA.0000007455.08539.94>
- Güler, Ç., & Karaca, T. (2021). The role of differentiation of self in predicting rumination and emotion regulation difficulties. *Contemporary Family Therapy*, 43(2), 113-123. <https://doi.org/10.1007/s10591-020-09559-1>
- Hadinezhad, H., Tabatabaeian, M., Dehghani, M. (2014). A Preliminary Study for Validity and Reliability of Bell Object Relations and Reality Testing Inventory, *Iranian Psychiatry and Clinical Psychology*, 20(2), 162-169. magiran.com/p1324045. <https://www.sid.ir/paper/17110/fa>
- Harris, P. L. (2006). It's probably good to talk. *Merrill-Palmer Quarterly* (1982-), 158-169. <https://www.jstor.org/stable/23096072>
- Hollenstein, T., Tighe, A. B., & Loughheed, J. P. (2017). Emotional development in the context of mother-child relationships. *Current opinion in psychology*, 17, 140-144. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2017.07.010>
- Katz-Wise, S. L., Ehrensaft, D., Veters, R., Forcier, M., & Austin, S. B. (2018). Family functioning and mental health of transgender and gender-nonconforming youth in the trans teen and family narratives project. *The Journal of Sex Research*, 55(4-5), 582-590. <https://doi.org/10.1080/00224499.2017.1415291>
- Kealy, D., Ogrodniczuk, J. S., & Howell-Jones, G. (2011). Object relations and emotional processing deficits among psychiatric outpatients. *The Journal of nervous and mental disease*, 199(2), 132-135. [10.1097/NMD.0b013e3182083162](https://doi.org/10.1097/NMD.0b013e3182083162)
- Kline, R. B. (2016). Principles and practice of structural equation modeling. Guilford publications. <https://journals.library.ualberta.ca/csp/index.php/csp/article/download/29418/21439>
- Luyten, P., Campbell, C., Allison, E., & Fonagy, P. (2020). The mentalizing approach to psychopathology: State of the art and future directions. *Annual review of clinical*

- psychology, 16, 297-325.<https://www.annualreviews.org/doi/pdf/10.1146/annurev-clinpsy-071919-015355>
- Luyten, P., Mayes, L. C., Nijssens, L., & Fonagy, P. (2017). The parental reflective functioning questionnaire: Development and preliminary validation. *PloS one*, 12(5), e0176218.<https://journals.plos.org/plosone/article/file?id=10.1371/journal.pone.0176218&type=printable>
- Mesgaryan, F.; Azad fallah, P.; Farahani, H.; Ghorbani, N.(2020). Psychometric features of the Farsi version of Bell's Thematic Relations Scale. *Clinical psychology and personality Biannual Journal of Clinical Psychology & Personalit*15(2),193-204.https://journals.shahed.ac.ir/article_2828_492b4ddf1d5842c9b33e08174e32c15e.pdf
- Moghbali hanzaei M, Zanjani Z, Omid A. Psychometric Properties of the Persian Version of the of the Emotional Reaction Scale (ERS) in Students. *J Jiroft Univ Med Sci* 2020; 7 (1) :302-312.<http://journal.jmu.ac.ir/article-1-297-fa.html>
- Nock, M. K., & Prinstein, M. J. (2005). Contextual features and behavioral functions of self-mutilation among adolescents. *Journal of abnormal psychology*,114(1),140.<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0021-843X.114.1.140>
- Nock, M. K., Wedig, M. M., Holmberg, E. B., & Hooley, J. M. (2008). The emotion reactivity scale: development, evaluation, and relation to self-injurious thoughts and behaviors. *Behaviortherapy*,39(2),107116.<https://doi.org/10.1016/j.beth.2007.05.005>
- Petersen, R., Brakoulias, V., & Langdon, R. (2016). An experimental investigation of mentalization ability in borderline personality disorder. *Comprehensive psychiatry*, 64, 12-21.<https://doi.org/10.1016/j.comppsy.2015.10.004>
- Price, A. A., Leavitt, C. E., & Allsop, D. B. (2020). How gender differences in emotional cutoff and reactivity influence couple's sexual and relational outcomes. *Journal of Sex & Marital Therapy*,47(1),1631.<https://doi.org/10.1080/0092623X.2020.1800541>
- Sant Clair, M.(2021). An introduction to subject relations and psychology. (Translated by Alireza Tahmasab). Tehran: Nei Publications. <http://fidibo.com/book/7230>
- Sepahvand, T .(2007). Relationship between Attributional Styles with Stressful Life Events and General Health, *Psychological Research*, 9(3), 33. magiran.com/p424164.
<http://noo.rs/9u003>
- Schwarzer, N. H., Nolte, T., Fonagy, P., & Gingelmaier, S. (2021, January). Mentalizing and emotion regulation: Evidence from a nonclinical sample. In *International forum of psychoanalysis* (Vol. 30, No. 1, pp. 34-45). Routledge.<https://doi.org/10.1080/0803706X.2021.1873418>
- Sharp, C., Vanwoerden, S., & Wall, K. (2018). Adolescence as a sensitive period for the development of personality disorder. *Psychiatric Clinics*, 41(4), 669-683.<https://doi.org/10.1016/j.psc.2018.07.004>

- Sklyarov, O. (2020). The Impact of Adverse Childhood Experiences on Attachment and Mentalization in Sex Offenders (Doctoral dissertation, George Fox University). <https://digitalcommons.georgefox.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1263&context=psyd>
- Tabatabaiepour, B., Khosropour, F., & Zenoozian, S. (2019). Structural Equation Modeling of the Relationship between Object Relations in Cluster B Personality Disorders with the Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation. *Islamic lifestyle with a focus on health*, 3(4), 101-110. <http://islamiclifej.com/article-1-611-fa.html>
- Taghavi, R. (2001). Checking the validity and reliability of public health. *Journal of Educational Sciences and Psychology* ۳۸۱، (5)، ۳۸۹. <http://ensani.ir/fa/content/59771/default.aspx>
- Takhayori M, Fakhri M, Hasanzadeh R. The mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between object relationships and emotional distress tolerance in nursing students of Tehran University. *Iranian Journal of Medical Education* 2021; 21 :297-307. <http://ijme.mui.ac.ir/article-1-5201-fa.html>

